



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd.
Year/NO: 2 Summer 2021

مطالعه رهیافت مدیریت ریسک جرم از چشم‌اندازهای فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و
حقوق کیفری بین‌المللی

جلال الدین حسانی^۱، سید محمود میرخلیلی^۲، محمدرضا نظری نژاد کیاشی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

چکیده

بزه‌کاری پدیده‌ای طبیعی در جامعه است و یکی از رهیافت‌های در دسترس در برابر آن، رویکرد مدیریت ریسک جرم نام دارد. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، درصدد مطالعه جایگاه این رهیافت در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و حقوق کیفری بین‌المللی است. در رهیافت مدیریت ریسک جرم، میزان ریسک هر یک از دسته‌های بزه‌کاری ارزیابی و پاسخ‌های کیفری متناسب با آن پیاده می‌شوند. تشهیر، بزه‌پوشی، شناسایی ریشه‌های مفسد اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر و نیز پیش‌بینی کیفرهای شدید، شماری از نشانگان این رهیافت از چشم‌انداز آموزه‌های فقهی است. حقوق کیفری ماهوی نیز در چارچوب درجه‌بندی و تعیین مجازات‌های تعزیری، صدور حکم به تعزیر در صورت عدم اجرای قصاص، منع پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری نسبت به مرتکبان پرریسک، تعیین کیفیات مشدده جرایم و... آن را بازتاب می‌دهد. قرارهای تأمین کیفری، دادرسی‌های اختصاصی کیفری و دادرسی‌های فوری نیز مهم‌ترین بسترهای پیاده‌سازی رویکرد مدیریت ریسک جرم در سازه شکلی حقوق کیفری است. جرم‌انگاری جرایم اصلی بین‌المللی، مجازات‌های شدید در اساسنامه دیوان و نیز چالش آفریقایی دیوان نمونه‌هایی از این رهیافت در قلمرو حقوق کیفری بین‌المللی است. این پژوهش دریافته است که رهیافت مدیریت ریسک جرم در هر یک از قلمروهای فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و حقوق کیفری بین‌المللی آشکارا چهره یافته است.

واژگان کلیدی: مدیریت ریسک جرم، حقوق کیفری ماهوی، نظام عدالت کیفری، حقوق کیفری شکلی، حقوق کیفری

بین‌المللی

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. hassanijalal@gmail.com

۲- دانشیار گروه حقوق کیفری، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) mirkhalili@ut.ac.ir

۳- استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. m.nazarinejad@gmail.com

مقدمه

بر پایه آموزه‌های جامعه‌شناس فرانسوی؛ *امیل دلوید دورکیم*، جرم پدیده‌ای طبیعی در جامعه است و نظام عدالت کیفری به عنوان سازه عملیاتی نظام اجتماعی در برابر این پدیده طبیعی باید با بهره‌گیری از راهبردهایی روزآمد و دانش-بنیان در راه مدیریت و فروکاستن آن به سطحی قابل تحمل برای جامعه بکوشد.

در این راستا، کنشگران دکتربین علوم جنایی و نظام عدالت کیفری با گذشت دو سده از پیدایش جرم‌شناسی علمی و نیز حقوق کیفری مدرن کوشیده‌اند تا بسته به سرچشمه‌های فکری و یا رهیافت‌های عملی خو، راهبردهایی را برای مدیریت کیفری جامعه پیشنهاد داده و یا به کار گیرند.

با آن که بازپروری بزه‌کاران به عنوان اولین رهیافت جرم‌شناسی در گستره قابل توجهی از کشورهای جهان پیاده شد، تحولات جوامع در آغاز هزاره سوم میلادی شماری از نظام‌های کیفری را به پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم واداشت. آن گونه که بر پایه آموزه‌های عدالت سنجشی دیگر رسالت نظام کیفری بازپروری بزه‌کار و یا بازگرداندن او به زندگی متعارف نیست. بلکه آنچه در اینجا اهمیت دارد، مدیریت کنش‌ها و در امان نگاه‌داشتن جامعه از گرایش‌های ستیزه‌جویانه او با استفاده از رویکردهای طرد و خنثی‌کنندگی است.

امروزه مدیریت ریسک جرم همانند بسیاری از نظام‌های کیفری ملی و فراملی در سرتاسر جهان، در زرادخانه کیفری کشورمان نیز به چشم می‌خورد. با توجه به آن که این باور وجود دارد که در حال حاضر راهبرد غالب حقوق کیفری ایران راهبرد طرد، خنثی‌سازی و نظارت شدید است که در قالب کنترل ریسک قرار می‌گیرد، (نوبهار، صیقل، ۱۳۹۶: ۲۰۹) باید این رهیافت به عنوان یکی از مهم‌ترین و آشکارترین رهیافت‌های کاربردی نظام عدالت کیفری ایران از جلوه‌های گوناگون مطالعه شود.

افزون بر این با توجه به اصل چهارم قانون اساسی که بر اکتتای قوانین بر موازین اسلامی تأکید دارد، مطالعه جایگاه رهیافت مدیریت ریسک جرم در آموزه‌های فقهی نیز سزاوار اهمیت است. چرا که از این راه می‌توان به مشروعیت فزاینده این رهیافت در رویکردهای قانونگذار کیفری کشورمان پی برد. به همین ترتیب، حقوق کیفری بین‌المللی در نخستین سده از زندگی خود در پرتو اثرگذاری‌های چهار نسل از دادگاه‌های بین‌المللی و به ویژه تصویب اساسنامه رم و آغاز به کار دیوان کیفری بین‌المللی، جلوه‌هایی از این رهیافت را بازتاب داده است که مطالعه آنها نیز ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع دسته اول پژوهشی نگاشته شده و پس از مفهوم‌شناسی رهیافت مدیریت ریسک جرم، به جلوه‌های آن در هر یک از سه سازه پیش‌گفته پرداخته است، در نظر دارد بدین پرسش پاسخ دهد که رهیافت مدیریت ریسک جرم چگونه در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و نیز حقوق کیفری بین‌المللی بازتاب یافته است؟

۱- مدیریت ریسک جرم

مفهوم بنیادی این پژوهش، مدیریت ریسک جرم است. از همین رو در ادامه، مفهوم شناسی و نیز سازه‌های آن مطالعه می‌شوند تا از این راه بتوان جایگاه آن را از چشم‌اندازهای فقه امامیه، حقوق کیفری ملی و نیز بین‌المللی دریافت.

۱-۱- مفهوم شناسی

مفهوم‌شناسی مناسب یک دانش-واژه ارائه نیازمند بررسی مفاهیم لغوی و نیز فنی آن است. از همین رو در این گفتار به مفاهیم یادشده از دیدگاه رهیافت مدیریت ریسک جرم پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱- مفهوم لغوی

مدیریت ریسک به زبان ساده به مفهوم کاستن از مخاطرات و چالش‌های گوناگون در یک سازمان است این رهیافت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مقتضیات یک سازمان به شمار می‌آید. چرا که سازه‌های آن سازمان هنگامی می‌توانند با مشارکت یکدیگر به سوی هدف مشترک و از پیش‌برنامه‌ریزی شده گام بردارند که برای کاستن از دامنه اثرگذاری مخاطرات احتمالی چاره‌اندیشی کرده باشند. مدیریت ریسک دستیابی به این هدف را امکان‌پذیر می‌کند.

۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی

برای آن که بتوان مفهوم اصطلاحی مدیریت ریسک جرم را دریافت، باید به مفهوم شناسی سازه‌های آن پرداخت. از این دیدگاه، مفاهیم ریسک و ریسک جرم بررسی و سرانجام به مطالعه مفهومی رهیافت مدیریت ریسک جرم به عنوان یک رهیافت مستقل در علوم جنایی پرداخته می‌شود.

۱-۲- سازه‌های رهیافت مدیریت ریسک جرم

همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، مدیریت ریسک جرم رهیافتی مستقل و شناخته‌شده از چشم‌اندازهای نظری و عملی است که خود از سازه‌هایی پدید می‌آید. بنابراین مفهوم‌شناسی فراگیر این رهیافت بدون مطالعه سازه‌های یادشده امکان‌پذیر نیست. به ویژه این که این شیوه مطالعه با توجه به ویژگی پراکنش نشانگان رهیافت پیش‌گفته در سازه‌های گوناگون سیاست جنایی ایران نیز وجاهت دارد.

بنابراین در ادامه سازه‌های نظری رهیافت مدیریت ریسک جرم مطالعه می‌شود تا از این راه بسترهای این سازه‌ها را در فقه امامیه، حقوق کیفری ملی و نیز حقوق کیفری بین‌المللی بررسی کرد.

۱-۲-۱- مفهوم ریسک

مفهوم ریسک یا خطر در شمار دانش-واژگان مهم و پرکاربرد در برخی از شاخه‌های علوم انسانی است. تاکنون تعاریف گوناگونی از این دانش-واژه به دست آمده است. از همین رو لازم است که در آغاز هر چند به گونه‌ای فشرده به

مفهوم شناسی ریسک در نواندگان علوم انسانی پرداخت. کامیابی در این روند می‌تواند مطالعه مفهوم مدیریت ریسک جرم را تسهیل کند.

در نظام عدالت کیفری این تفاوت در تعریف ریسک بر چگونگی تعاریف و ارزیابی‌های گروه‌های کنشگر از آن اثر می‌گذارد. (Kemshall, 11:2008) از همین‌رو روشن است که برای پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در هر یک از قلمروهای زندگی فردی و اجتماعی، شفاف‌سازی این مفهوم و در نتیجه ابتدای مفهوم مدیریت ریسک بر آن دارای اهمیت فراوان است. آنچه این برداشت را تقویت می‌کند، پیچیدگی مفهوم جرم است که امروزه جرم را به معنایی برای سامانه‌های عدالت کیفری تبدیل کرده است. از همین‌رو به نظر می‌رسد که شفاف کردن مفهوم ریسک جرم و به دنبال آن رهیافت مدیریت ریسک، اولین گام نظام عدالت کیفری برای پیاده‌سازی این رویکرد بسیار مهم و اثرگذار است. بی‌گمان مفهوم ریسک همراه با ضرورت پیش‌بینی احتمال تحقق آن در آینده و چاره‌اندیشی برای دستیابی به مناسب‌ترین راهبردهای مقابله با آن است. به عبارت دیگر، شناسایی ریسک‌های موجود در هر یک از بخش‌های جامعه، رسالت بنیادین کوشش برای مدیریت آن را بر دوش دست‌اندرکاران آن بخش‌ها قرار می‌دهد. این روند نیز بر پایه توانمندی‌ها و نیز مقتضیات گوناگون محیطی و زمانی انجام می‌شود.

۲-۱-۲- مفهوم ریسک جرم

پس از مطالعه مفهوم ریسک، ارزیابی مفهوم ریسک جرم نیز امکان‌پذیر است. در این باره باید پذیرفت که هر یک از گونه‌های جرایم دارای مقداری ریسک برای جامعه هستند و همه سیاست‌گذاری‌های آتی درباره جرایم باید بر پایه این ریسک انجام شود. به عبارت دیگر، پاسخ‌های کنشی و واکنشی در نظام‌های سیاست جنایی و به طور کلی هر یک از سیاست‌های اجرایی کنشگران نظام عدالت کیفری در برابر گونه‌های جرم باید بر پایه ریسک‌های استنباط‌شده از جرایم سازماندهی شود.

برای آن که بتوان از یک سو به طور دقیق به ریسک هر یک از گونه‌های جرایم دست یافت و از سوی دیگر، سیاست‌های کارآمدی را درباره آنها پیاده ساخت، لازم است که از راهبردهای دقیق آماری در این راه استفاده کرد تا بتوان سپس پاسخ‌های متناسبی را در برابر آنها پیاده نمود.

تردید وجود ندارد که با توجه به ویژگی نسبی بودن جرم که به مفهوم تناسب آن با شرایط گوناگون زمانی و مکانی است، مفهوم ریسک جرم نیز کاملاً نسبی است. جرایم خاص ممکن است در دوره‌های زمانی گوناگون در چارچوب پیاده‌سازی سیاست‌های گوناگون خرد و کلان در یک کشور، با ریسک‌های کم یا زیاد ارزیابی شوند و در صورت اختیارات صلاح‌دیدی کنشگران سیاست‌های جنایی، پاسخ‌هایی متناسب با آن مقدار از ریسک‌ها پیاده شود.

۳-۱- مفهوم نظریه مدیریت ریسک جرم

بر پایه مراتب پیش گفته، می توان رهیافت مدیریت ریسک جرم را به در پیش گرفتن پاسخ های کنشی و واکنشی متناسب با ریسک ارزیابی شده از جرم تعریف کرد. در این راستا، باید با ارزیابی های پیوسته و دقیق میزان ریسک جرایم شناسایی و پاسخ های کنشی و واکنشی متناسب با آن پیاده شود.

رهیافت مدیریت ریسک جرم بیش از هر چیز بر سنجش ریسک های برخاسته از کنش های هر یک از تابعین نظام کیفری، ارزیابی میزان ریسک و پیامدهای آتی و نیز و نیز پیش بینی پاسخ هایی برای قابل تحمل نگه داشتن این ریسک ها استوار است. برای پیش بینی رفتارهای فرد در آینده به ابزارهای بالینی و آماری تکیه می شود. در این راستا، رویکردی جدید به نام عدالت سنجشی در سیاست جنایی شکل گرفته است در این رویکرد، به جای توجه به فرد و یافتن علل فردی - اجتماعی وقوع جرم، بزهکار را بر اساس شاخصه ها و عوامل ریسک، در گروه های پرخطر طبقه بندی می کنند. با استفاده از روش های آماری و بالینی احتمال وقوع جرم توسط او در آینده تخمین زده می شود. (پورقهرمانی، کریمزاده، ۱۳۹۸: ۱۱۵) بنابراین پاسخ های مداخله ای نظام عدالت کیفری نیز در این باره، با شدت ریسک استنباط شده متناسب است.

در آموزه های فقهی نیز جرم و مفاهیم همپیوند آن همانند سیئه، جناح، اثم و معصیت از این رو اهمیت داشته و باید مشمول پاسخ های کارآمد و متناسب قرار گیرند که برای آماج هایی همانند ارزش ها و فضائل اخلاقی مؤمنان ریسک هایی عینی را پدید می آورند. در نتیجه سیاست جنایی اسلامی بر پیاده سازی پاسخ های مناسب کنشی و واکنشی در این باره تأکید کرده است. در همین راستا برای نمونه دیده می شود که گناهان متناسب با میزان ریسک پدیدارکننده خود به دو دسته گناهان صغیره و نیز کبیره تقسیم می شوند. این دسته بندی به باور نگارنده یکی از مهم ترین جلوه های مفهومی رهیافت مدیریت ریسک جرم در فقه به شمار می رود.

۲- مدیریت ریسک جرم از چشم انداز آموزه های فقهی

در آموزه های دینی نیز نشانگانی از کاربست رهیافت مدیریت ریسک جرم وجود دارد. زیرا به دلیل پرهیز از جرم انگاری افراطی و توسعه غیرمفید سیاهه جرایم، جرم دانستن همه مقدمات و اسباب جرم یا اکثر آنها به مصلحت نیست. ولی توصیه می شود با توجه به تأکید آموزه های اسلامی بر ضرورت کنترل این گونه امور، تلاش لازم در جهت جرم انگاشتن موارد ضروری و استفاده از سازوکارهای غیرکیفری در سایر موارد صورت گیرد. (میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۹۵) از همین رو مطالعه نشانگان رهیافت مدیریت ریسک جرم در آموزه های فقهی نیز سودمند به نظر می رسد.

۱-۲- تشهیر

یکی از مهم ترین آموزه های فقهی که نشان دهنده پیاده سازی رهیافت مدیریت ریسک است، تشهیر نام دارد. این نهاد فقهی به مفهوم آگاه سازی دیگر شهروندان از برخی از جرایم ارتكابی بزه کار است تا از این راه افراد دیگر بتوانند با پیش بینی تدابیر لازم خود را از بزه دیدگی در این گونه از موارد ایمن نگاه دارد. این مجازات به جرم های محدودی

اختصاص یافته مثلاً در مورد شاهد زور که با شهادتش موجبات آزار دیگران را فراهم نموده و به حقوق فردی و اجتماعی دیگران متعرض گردیده است، مجازات تشهیر وضع شده تا ضمن اثر تربیتی برای خود مجرم، از تکرار جرم جلوگیری شود و موجبات عبرت دیگران فراهم آید. (محدثی و سلطانی، ۱۳۹۶: ۷۲) این نهاد کیفری در حقوق عرفی ایران، در ماده ۱۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و نیز در ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک چهره یافته است.

به باور نگارنده، مهم‌ترین دلیل پیش‌بینی نهاد تشهیر در فقه کیفری، احساس ریسک در فرد بزه‌کار و بازتاب دادن آن برای دیگر شهروندان و بنابراین تمایز میان آن دو است. به گونه‌ای که این تمایز در آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح نیز دیده می‌شود. زیرا پیامبر گرامی اسلام (ص) و مؤمنان در رفتارهای خود با مؤمنان و کافران تمایزی آشکار را قائل می‌شوند. (در نهاد تشهیر نیز ریسک رفتارهای مرتکب و پیش‌بینی احتمال بالای تحقق جرایمی مشابه در آینده سبب می‌شود که نظام کیفری به شهروندان هشدار لازم را درباره او بدهد.

این روند دقیقاً در برابر بزه‌پوشی قرار دارد که در بند آتی بررسی می‌شود. بنابراین روشن است که رهیافت مدیریت ریسک جرم به گونه‌ای منسجم و هوشمندانه در هر یک از سازه‌های سیاست جنایی اسلامی بیان شده است که بررسی نهادهای تشهیر و بزه‌پوشی می‌تواند دقت نظر این سیاست جنایی را به خوبی آشکار سازد.

نمونه‌های عملی مشابه تشهیر در قوانین غربی وجود دارد که خود نشان‌دهنده ریسک‌مداری این نهاد فقهی و نیز سازگاری آن با یافته‌های بین‌المللی علوم جنایی است. برای نمونه، قانون مگان در ایالات متحده را باید از جهت برجسته‌کردن مشخصات بزه‌کاران برای خودداری شهروندان از نزدیک شدن به آنها به عنوان یکی از نمونه‌های بارز رهیافت مدیریت ریسک جرم و نهاد تشهیر دانست.

۲-۲- بزه‌پوشی

بزه‌پوشی رهیافتی سودمند است که هم در آموزه‌های دینی و هم در کارکردهای نظام عدالت کیفری به چشم می‌خورد. در آموزه‌های اسلامی پروردگار به عنوان شارع مقدس، ستار العیوب نام دارد. در فقه اسلامی نیز حاکم نمی‌تواند همواره و بدون استثنا بهره‌گیری جرایم بپردازد. برای نمونه امام علی (ع) فردی را که اقرار به زنا کرده بود تا سه مرتبه دیگر به اندیشه درباره آن فراخواند.

حدود یکی از گونه‌های مجازات‌های شرعی است که در حقوق کیفری ایران نیز چهره یافته است. بزه‌پوشی تا آن اندازه در آموزه‌های کیفری عرفی و فقهی اهمیت دارد که حتی در حدود نیز راه یافته است. برای نمونه، در صورت عدم ادای شهادت گروهی شاهدان هر یک از آنها حد قذف می‌خورند.

اهمیت بزه‌پوشی در فقه اسلامی از این جهت است که آشکار نمودن ارتکاب بزه در چارچوب پیگرد آن سبب عادی شدن آن در جامعه اسلامی و فرو ریختن قبح ظاهری آن می‌شود. برای جمع کردن میان این امر و نیز ضرورت پیگرد جرایم، این رویکرد پذیرفته شده است که در شماری از جرایم تا هنگامی که جامعه ضرورت چندانی را برای پیگرد آن

۱- «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...»

احساس نکنند، آن جرایم نباید تعقیب شوند. اما در جرایم دیگر به ویژه در جرایمی که مشمول سیاست کیفری سختگیرانه اسلامی قرار گرفته‌اند، پیگرد یاد شده باید انجام شود. چرا که بزه‌پوشی که به مفهوم ارفاق نظام عدالت کیفری به متهم است، گاه ممکن است به مفهوم ناتوانی دستگاه قضایی در برابر اتهامات برداشت شده و خود به تجری کیفری متهم و یا دیگر بزه‌کاران بالقوه منجر شود و این خود نشانه آشکار پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در فقه اسلامی است.

در قانون مجازات اسلامی، تحمیل حد قذف بر شاهدان زنا در صورتی که به حد نصاب نرسند، قاعده درأ و نیز مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸، بسترهای مناسبی برای پیاده‌سازی رویکرد بزه‌پوشی هستند. در آیین دادرسی کیفری نیز اصل مقتضی بودن یا مناسب بودن تعقیب با بزه‌پوشی هم‌پیوند است. از دیدگاه جرم‌شناسی نیز نظریه برجسب‌زنی یا تعامل‌گرایی می‌تواند توجیه مناسبی برای بزه‌پوشی به شمار آید.

با توجه به این مراتب آشکار می‌شود که در نظام عدالت کیفری ایران بزه‌پوشی جایگاه و مهمی داشته و پیامدهای اثرگذاری را نیز به همراه می‌آورد. از همین رو، مطالعه هر یک از اهداف احتمالی قانونگذار کیفری از فراهم نمودن بسترهای گوناگون این روند و از جمله رهیافت مدیریت ریسک جرم مناسب به نظر می‌رسد.

۳-۲- شناسایی ریشه‌های مفاسد اخلاقی

یکی دیگر از راهکارهای مدیریت ریسک در آموزه‌های اسلامی، ع‌لت‌شناسی مناسب رفتارهای ناپسند و نامتعارف سرزده از افراد است. تردیدی وجود ندارد که هر یک از مفاسد اخلاقی که خود به ارتکاب جرم و یا بزه‌کاری‌های گوناگون در جامعه منجر می‌شوند، ریشه‌هایی دارند که در صورتی اندیشه برای دستیابی به مناسب‌ترین راهکارها در برابر آنها، می‌توان به کم‌رنگ شدن هر چه بیشتر آنها در جامعه امیدوار بود.

در احادیث رسیده از معصومین(ع) بسیاری از آفات اخلاقی همانند دروغ، حسد، بخل و... سرزنش و از مسلمانان خواسته شده که تا آنجا که ممکن است خود و پیرامونیان خود را از این آسیب‌ها دور نگاه دارند. کوشش در این راه می‌تواند امکان ارتکاب برخی از جرایم را به کمترین میزان خود برساند. برای نمونه، امام علی(ع) در سرزنش دروغگویی فرموده‌اند: «نشانه ایمان این است که راستگویی را هر چند به زیان تو باشد بر دروغگویی، گرچه به سود تو باشد، ترجیح دهی.»^۱ (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۸) در واقع، هر یک از کنش‌های ضد اخلاقی پیش‌گفته عاملی است که در آینده به وارد آوردن آسیب به خود فرد و دیگران می‌انجامد و در پرتو رهیافت مدیریت ریسک جرم در این آموزه‌ها لازم است که به گونه‌ای استوارانه در راه مدیریت آنها کوشش شود.

۴-۲- امر به معروف و نهی از منکر

^۱ «علامه‌الایمان أن تُؤثِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ»

یکی از فروع دین در آموزه‌های اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است. این نهاد دارای سودمندی‌های بسیاری برای فرد و جامعه است و از همین رو به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای پیشگیرانه در آموزه‌های اسلامی چهره شده است. در منابع فقهی شرایط ویژه‌ای برای برپاداشتن این فریضه تعیین شده است. بنابراین باید پذیرفت که همچنان که این نهاد می‌تواند در راه مدیریت ریسک برخی از رفتارها سودمند بوده و پیش از باروری آنها و آسیب زدن به جامعه، مخاطرات آن را مدیریت کند، در صورت انجام نامناسب ریسک‌های دیگری را برای جامعه به همراه می‌آورد.

این نهاد فقهی و حقوقی که در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ حمایت کیفری دریافت داشته است، از این دیدگاه در رهیافت مدیریت ریسک جرم اهمیت دارد که ناهی از منکر باید از میزان ریسک موجود در آن منکر آگاه باشد. به ویژه این که در صورت لزوم آن ریسک را نیز برای مخاطب خود توجیه کند. در این صورت می‌توان انتظار داشت که نهاد امر به معروف و نهی از منکر به همه اهداف از پیش‌برنامه‌ریزی شده خود دست یابد. چرا که همکاری مخاطب و پذیرش ریسک موجود در رفتار نهی شده، سبب می‌شود که او دیگر آن رفتار را مرتکب نشود.

افزون بر این، به باور نگارنده با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، شناسایی رهیافت مدیریت ریسک جرم در آموزه‌های مذهبی به ویژه در امر به معروف و نهی از منکر سبب می‌شود که دیگر سازه‌های حقوق کیفری عرفی ایران به گونه‌ای ساده‌تر پذیرای این رهیافت باشند.

۵-۲- پیش‌بینی کیفرهای شدید

در آموزه‌های دینی گاه متناسب با شدت نقض هنجارها مجازات‌های شدیدی نیز پیش‌بینی شده است. مطالعه کیفرهای اسلامی در قرآن مجید نشان‌دهنده این رویکرد آشکار در سیاست جنایی اسلامی است که رهیافت مدیریت ریسک جرم آشکارا در این قلمرو پذیرفته شده است.

وقتی سخن از اهداف کیفر از نگاه اسلام به میان می‌آید، اموری مد نظر است که کیفر برای دستیابی به آنها پیش‌بینی و اجرا می‌شود و بهتر است این مباحث با عنوان حکمت‌های کیفر بررسی شود. مقصود از حکمت‌های مجازات، مصالحی هستند که میان شریعت به عنوان مصالح مبدأ (حکمت) بیان کرده‌اند. (پیوندی، ۱۳۹۵: ۹۱) در این راستا کیفرهای شدید در قرآن نیز حکمت‌های خاصی دارند که از آن جمله می‌توان به برقراری تناسب در آنها با میزان ارزش نقض شده اشاره کرد.

برای نمونه، رفتار مجرمانه قوم لوط تا آنجا نابهنجار تلقی شده بود که برای پدیداری تناسب و در پیشگاه عدل الهی بارانی از سنگ بر سر آنها باریده شد. بی‌گمان تناسب منطقی در این روند سزادهی با شدت زشتی استنباط شده از عمل لواط نشان‌دهنده رهیافت مدیریت ریسک جرم در قرآن کریم است.

۱- «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» اعراف/ ۸۴

۳- مدیریت ریسک جرم از چشم‌انداز آموزه‌های کیفری

در گفتار پیش، چشم‌انداز فقهی رهیافت مدیریت ریسک جرم مطالعه شد. در این گفتار نیز رهیافت پیش‌گفته از چشم‌انداز رویکردهای نظام کیفری ایران بررسی می‌شود.

۳-۱- مدیریت ریسک جرم از چشم‌انداز آموزه‌های حقوق کیفری ماهوی

برخی از مواد ق.م.ا ۱۳۹۲ آشکارا بر پایه رهیافت مدیریت ریسک جرم نگاشته شده‌اند. با وجود آن که رهیافت‌هایی همانند اصلاح و درمان در این قانون به گونه‌ای آشکار خودنمایی می‌کنند، تردیدی وجود ندارد که رهیافت مدیریت ریسک جرم نیز در این قانون پذیرفته شده است که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱- درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری

برای مطالعه جلوه‌های پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم می‌توان از مطالعه کیفرها آغاز کرد. کیفرشناسی ریسک‌مدار بر آن است تا با تأکید بر ریسک بزه‌کاران و نیز از طریق راهبردهای مدیریتی، به دغدغه تأمین امنیت جامعه در مقابل خطر احتمالی بزه‌کاران بالقوه و نیز احتمال تکرار جرم پاسخ دهد. در حالی که کیفرشناسی سنتی، با تأکید بر جرم ارتكابی و نیز از طریق نگرش‌های بالینی و اصلاح‌مدار نسبت به تعیین پاسخ کیفری اقدام می‌نماید، در کیفرشناسی ریسک‌مدار، به تدریج اصل قطعیت در تعیین جرایم و کیفر آنها، که در کیفرشناسی سنتی بسیار پررنگ بود، کم‌اهمیت می‌گردد. همچنین در این کیفرشناسی، به مدد ابزارهای ارزیابی ریسک، نسبت به مقابله کیفری مبتنی بر طرد، توان‌گیری و به طور کلی کنترل، مدیریت و کاهش ریسک اقدام می‌شود. البته در این کیفرشناسی، بر عقلانیت در تعیین کیفر، برنامه‌محوری و نیز توجه به اصولی چون اصل احتیاط در جهت مقابله با ریسک نیز تأکید می‌شود. (نوبهار و صیقل، ۱۳۹۶: ۱۹۷) این روند در مجازات‌های تعزیری پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی به خوبی دیده می‌شود. در این قلمرو، یکی از نوآوری‌های ق.م.ا ۱۳۹۲، پیش‌بینی درجات مجازات‌های تعزیری است. با منطبق دسته‌بندی مجازات‌های هشت‌گانه در این ماده چندان روشن نیست و برخی از مجازات‌های جای‌گرفته در یک دسته نیز با یکدیگر نامتناسب هستند، روشن است که قانونگذار در این نهاد کیفری، به ریسک‌های برخاسته از جرایمی که مجازات‌های پیش‌گفته را به همراه می‌آورند توجه داشته است.

برای نمونه، به موجب ماده ۲۳ این قانون، افرادی که به مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ محکوم شده‌اند، نمی‌توانند به مجازات‌های تکمیلی و تبعی محکوم شوند. زیرا صدر این ماده، محکومین به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک را به این گونه از مجازات‌ها محکوم کرده است. این امر می‌تواند از این دیدگاه توجیه شود که مرتکبان جرایم یادشده که در جرم‌شناسی جرایم خرد نامیده می‌شوند، بر خلاف مرتکبان دسته‌های شش گانه دیگر تا آن اندازه برای جامعه خطرناک نیستند که پیش‌بینی مجازات‌هایی افزون بر مجازات‌های اصلی-مجازات‌های تکمیلی و تبعی- برای آنها ضروری به نظر برسد.

جرایم منتهی به مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ را می‌توان با مفهوم جرم‌شناختی جرایم خرد همانند دانست. این دو دسته از جرایم از پاره‌ای ارفاقات در مقایسه با ۶ دسته دیگر برخوردار هستند. برای نمونه، مرتکبان آن لزوماً باید به جزای نقدی بدل از حبس محکوم شوند.

از همین‌رو، مداراگرایی کیفری در این جرایم به مفهوم باورمندی به ریسک کم و در نتیجه پیاده‌سازی پاسخ‌های نرم در برابر آنهاست. در مقابل، نظام عدالت کیفری می‌تواند بیشتر توان عملیاتی خود را بر دیگر جرایم گذارده و بنابراین مدیریت کیفری بهتر جامعه را به ارمغان آورد.

۲-۱-۳- تعیین مجازات تعزیری

قانونگذار کیفری ایران به پیروی از فقه امامیه ملاک‌های مشخصی را برای صدور احکام تعزیری بیان نموده است. ماده ۱۸ق.م.ا به تبیین مجازات‌های تعزیری از این دیدگاه پرداخته است.

بیان ملاک‌های یادشده و لزوم توجه به آن در هنگام صدور حکم به مجازات تعزیری نشان‌دهنده رویکرد قانونگذار به رهیافت مدیریت ریسک جرم است. در واقع، ارزیابی عینی از مؤلفه‌هایی همانند سوابق و وضعیت فردی مرتکب، شیوه ارتکاب جرم و... در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی سنجشی یا تخمینی، دادرسی کیفری را به سوی مجازاتی متناسب با آن شدت می‌کشاند. اصل تناسب جرم و مجازات نیز نشان‌دهنده ضرورت توجه به رهیافت مدیریت ریسک جرم برای دادرسی کیفری است.

هر یک از بندهای چهارگانه ماده ۱۸ آشکارا به میزان خطرات استنباط شده از بزه‌کار توجه دارد. به ویژه این که این خطرات بر پیش‌بینی پیامدهای جرم‌شناختی آتی رفتارهای مرتکب نیز مبتنی است. برای نمونه، هنگامی که مرتکب به دنبال ارتکاب جرم و بر پایه دلایل گوناگون می‌کوشد که زیان‌های وارده بر بزه‌دیده را جبران کند، این پیام را به بزه‌دیده و به نظام عدالت کیفری می‌دهد که خود متوجه میزان و شدت خطرات برخاسته از رفتار مجرمانه‌اش شده است و با انجام این کار قصد نمایش کاسته شدن از خطرات ارزیابی شده از رفتار مجرمانه‌اش را به جامعه دارد تا از این راه، دادرسی کیفری نیز در هنگام صدور حکم به مجازات تعزیری و پس از آن در صورت لزوم، تخفیف مجازات وی، به این امر توجه کافی را نشان دهد.

۳-۱-۳- منع پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری نسبت به مرتکبان دارای ریسک بالا

یکی از آشکارترین جلوه‌های پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در حقوق کیفری ماهوی، ممنوعیت ارفاق‌گرایی کیفری نسبت به آن دسته از بزه‌کارانی است که در شمار گروه‌های پرریسک جای گرفته‌اند. به عبارت دیگر، نهادهای ارفاقی کیفری همانند تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین، نظام نیمه‌آزادی و... که اصولاً به منظور کاستن از پیامدهای ناخوشایند مجازات‌ها پیش‌بینی شده‌اند برای دسته‌هایی از بزه‌کاران اعمال نمی‌شوند.

در این باره باید به خاطر داشت که به طور کلی، واکنش جامعه در مقابل کنش‌های اجتماعی بر مبنای خطر حاصله تنظیم می‌شود. بدیهی است در صورت شدیدتر بودن خطر حاصله، واکنش نیز شدیدتر خواهد بود. (عبادی، ۱۳۹۴: ۱۵) بنابراین در صورت استنباط ریسک کمتر از جرایم ارتكابی دسته‌هایی از بزه‌کاران، اعمال واکنش‌های کیفری سخت برای آنان و حتی صدور حکم کیفری نیز ضرورتی نمی‌یابد.

۴-۱-۳- تعیین کیفیات مشدده جرایم

برخی از بزه‌کاران در هنگام ارتکاب جرم از رویکردهایی استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده ریسک بیشتر آنها در مقایسه با بزه‌کارانی است که از آن رویکردها استفاده نکرده‌اند. برای نمونه، قانونگذار کیفری ایران بر پایه ماده ۶۵۲ ق.م.ا، وجود کیفیاتی را در جرم آدم‌ربایی همانند استفاده از وسیله نقلیه، زیر پانزده سال داشتن بزه‌دیده و یا وارد آمدن آسیب به او را سبب تشدید مجازات مرتکب می‌داند که دلیل آن نیز استنباط ریسک بیشتر در این حالت‌ها است. افزون بر این، ماده ۷۵۳ ق.م.ا نیز پس از جرم‌انگاری برخی از کنش‌های مجازی در تبصره خود مقرر می‌دارد: «چنانچه مرتکب، اعمال یادشده را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.» در اینجا نیز قانونگذار با الهام از یافته‌های جرم‌شناسی نظری به مفهوم حرفه مجرمانه اشاره نموده و پختگی بزه‌کاران را در زمینه ارتکاب یک جرم به زیان جامعه دانسته و از همین‌رو، آن را با مجازاتی مشدد نسبت به بزه‌کاران اتفاقی همراه ساخته است.

۵-۱-۳- حبس تعزیری در هنگام سقوط قصاص

قصاص در نظام کیفری کشورمان و فقه اسلامی مجازاتی خصوصی است و به طور کامل در اختیار اولیای دم قرار دارد. پیش‌بینی تشریفاتی همانند لزوم استیذان از رهبر نیز در ماهیت خصوصی آن تردیدی را به همراه نمی‌آورد. با این وجود، گذشت اولیای دم از حق خود در برابر دریافت دیه و یا بدون آن، مانع از در پیش‌گرفتن پاسخی ریسک‌مدار از سوی نظام عدالت کیفری ایران همان محکومیت مرتکب به حبس تعزیری نیست. از همین‌رو می‌توان گفت که تحمیل ضمانت اجرای سالب آزادی پس از رضایت اولیاءدم مقتول خود نشانه بارز پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم است. چرا که از دیدگاه نظام عدالت کیفری، هنوز هم خطر بزه‌کار برای جامعه فروکش نکرده و از همین‌رو، وارد آوردن مجازات حبس او گامی مهم و عملی برای رویارویی با ریسک ارزیابی شده اوست.

۶-۱-۳- توده‌گرایی کیفری

یکی از سیاست‌های آشکار در برخی از نظام‌های سیاسی که خود به خود، به نظام‌های عدالت کیفری آنها نیز جریان یافته، توده‌گرایی کیفری است. مؤلفه‌های سیاست عوام‌گرا را می‌توان در مقطعی بودن، احساسی بودن، غیرکارشناسانه بودن، ناکارآمد بودن و تورم جرم‌انگاری‌ها نظاره‌گر بود. سیاست کیفری عوام‌گرا به هیچ وجه به دنبال کشف علل اصلی ارتکاب جرائم نیست و مترصد آن است که با کنار زدن مدل سیاست جنایی نخبه‌گرا با اتخاذ پاسخ‌های قاطعانه و سریع رضایت افکار عمومی را جلب کند. (جعفری و احمدی، ۱۳۹۴: ۷۱) در این رهیافت کوشش می‌شود که به جای مطالعه علمی جرایم با ارائه پاسخ‌هایی مقطعی و شدید از گسترش دامنه آنها جلوگیری شده تا از این راه افکار عمومی نیز اقناع شوند.

امروز در کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، موضوع جرم و نحوه مقابله با آن، در کنار موضوع‌های اجتماعی چون اشتغال، بهداشت و... به یک فصل مهم از برنامه‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی تبدیل شده است، همان‌گونه که وعده‌های مبارزه با بیکاری، ارتقای سطح زندگی، گسترش بیمه‌های همگانی و... مصرف و استفاده انتخاباتی یافته، سرکوب جلوه‌های خشونت‌آمیز بزهکاری به عنوان یک پدیده سیاسی در سرنوشت انتخاباتی تعیین‌کننده است. در این بستر سیاسی است که

ترس از جرم، وحشت و شوک روانی ناشی از بزه‌دیدگی، احساس ناامنی و اضطراب ناشی از تحولات کمی و کیفی بزهکاری را بین مردم دامن می‌زند. (ساریخانی، ۱۳۹۴: ۴۱)

تردیدی وجود ندارد که توده‌گرایی کیفری در قبال دسته‌هایی از بزه‌کاری‌ها به گونه‌ای آشکار مبتنی بر ریسک دریافت‌شده از گروه‌هایی از آنهاست که با توجه به ضرورت در امان نگاه داشتن جامعه از گزند کنش‌های مجرمانه آنان، نظام عدالت کیفری را به نمایش پاسخ‌هایی با ویژگی‌های سرعت و شدت کشانده است. بنابراین توده‌گرایی کیفری و برخی از سیاست‌های هم‌پیوند با آن همانند شدت‌گرایی کیفری نمونه بارزی از رهیافت مدیریت ریسک جرم است.

در توده‌گرایی کیفری، با بزرگ جلوه دادن ریسک‌های برخاسته از کنش‌های بزه‌کاران موردنظر کوشش می‌شود که پاسخ‌های نمایش داده در این راستا نیز دارای همان شدت و سرکوبندگی باشند تا از این راه التهاب افکار عمومی که خود گاه معلول بزرگنمایی آن ریسک است، فرونشانده شود. از همین رو، توده‌گرایی کیفری گاه به عنوان راهبردی برای مدیریت ریسک جرم در نظر گرفته می‌شود. سیاستمداران طرفدار عوام‌گرایی با تکیه بر این ادعا که دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم در بسیاری از دیدگاه‌های کارشناسی نادیده انگاشته می‌شود، اتخاذ سیاست‌های عامه‌پسند را که در ظاهر درصدد تأمین منافع عمومی جامعه است، در اولویت قرار می‌دهند. (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۲۶)

بنابراین روشن است که پیامدهای منفی این رویکرد ممکن است در ادامه چالش‌های جرم‌شناختی دیگری را نیز متوجه جامعه کند.

۷-۱-۳- رنگ باختن اصول بنیادین حقوق کیفری در جرایم علیه امنیت ملی

حقوق کیفری مدرن که به دنبال کوشش‌های فراموش‌نشده پیشگامانی همانند چزاره بکاریا پدید آمد و دوران شکوفایی و باروری خود را نیز پشت سر نهاد، بر پایه اصولی بنیادین قرار دارد. تفاوت مهم میان این دوران و دوران انتقام خصوصی نیز وجود اصول پیش‌گفته است.

اصل قانونی بودن جرم، مجازات و مرجع قضایی به عنوان بنیادی‌ترین اصل حقوق کیفری مدرن شناخته می‌شود و اصولی مهم همانند براءت از آن استنتاج شده است. به طور کلی این اصول باید با توجه به ماهیت سرکوبگر حقوق کیفری در نظر گرفته شوند. زیرا نظام‌های کیفری به دلیل رسالت بنیادین خود در سامان‌دهی مبارزه‌ای عمدتاً واکنشی با مظاهر گوناگون بزه‌کاری، می‌کوشند تا آنجا که ممکن است با نمایش واکنش‌های مناسب و اثرگذار در برابر این دسته از کنش‌های ضداجتماعی، نظم و امنیت را به جامعه بازگردانند. به منظور تعدیل این گرایش ذاتی حقوق کیفری و پرهیز از تسری پیامدهای این گرایش به دیگر شهروندان ناکرده‌بزه، تمرکز بر اصول بنیادین حقوق کیفری اهمیتی دوچندان می‌یابد.

با این وجود از دیرباز پذیرفته شده است که در جرایم علیه امنیت ملی تمرکزی از این دست بر اصول بنیادین حقوق کیفری ضرورت دارد. زیرا دفاع مناسب از جامعه در برابر پیامدهای جرایم علیه امنیت ملی اقتضا دارد که در برخی از موارد از تنگناهای مقرر در اصول سازنده حقوق کیفری و از جمله اصل قانونی بودن گذشت تا از این راه بتوان به دفاعی مناسب از جامعه در برابر این جرایم دست یافت. باید به خاطر سپرد که جرایم علیه امنیت ملی تا آنجا خطرناک هستند که در برخی موارد ممکن است به فروپاشی نظام کیفری بیانجامد و از همین رو، در پیش گرفتن روندهایی شدت‌گرایانه و ریسک‌مدار در برابر آنها و به ویژه، کم‌رنگ نمودن اصول بنیادین حقوق کیفری می‌تواند تا حدودی قابل توجیه باشد.

پس از رویدادهایی همانند حمله به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۲ و اعلان جنگ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده به تروریسم، مفهوم تازه‌ای از حقوق کیفری به نام حقوق کیفری امنیت‌مدار زاده شد. در این راستا، بازداشت متهمان به مشارکت در رویدادهای تروریستی، عدم برگزاری مرحله تفهیم اتهام، برگزار نکردن محاکمه عادلانه و... به عنوان راهبردهای این نظام کیفری در برابر گروهی از متهمان به ارتکاب جرایم خطرناک برای جامعه در نظر گرفته شد. چندان که بسیاری از متهمانی که توسط ایالات متحده به گوانتانامو انتقال داده شدند، تا هنگام نگارش این مقاله در یک فرآیند دادرسی کیفری شفاف قرار نگرفته‌اند و به نظر نمی‌رسد که تا پایان عمر خود نیز از چنین امکانی برخوردار شوند.

۸- جرم‌انگاری گسترده

یکی دیگر از جلوه‌های پذیرش رهیافت مدیریت ریسک جرم در کشورمان، جرم‌انگاری گسترده است. در این رویکرد، نظام عدالت کیفری به جای ارائه تعریفی آشکار و شفاف از مهم‌ترین اقدامات جامعه‌سستیزانه‌ای که تصمیم به ارزش‌گذاری کیفری برای آنها شده است، می‌کوشد تا رسالت خود را در راه مبارزه با این اقدامات به گونه‌ای انجام دهد که دست پلیس و نیز دادرسان کیفری در راه مقابله با آنها باز باشد. این امکان نیز در پرتو ارائه تعریفی گسترده از اقدامات مجرمانه یادشده انجام می‌شود.

با توجه به این مراتب، در ادامه به تبیین و مورد از مهم‌ترین جرایمی که قانونگذار در آنها رویکرد جرم‌انگاری گسترده را در پیش گرفته است، پرداخته می‌شود.

۱-۸ افساد فی‌الأرض

جرم‌انگاری افساد فی‌الأرض به عنوان یک جرم مستقل برای نخستین بار در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ انجام شد. تا پیش از تصویب این قانون و بر پایه ماده ۱۸۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰، این اختلاف نظر وجود داشت که با توجه به آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده، محاربه و افساد فی‌الأرض یک یا دو جرم به شمار می‌آید؟

ماده ۲۸۶ پاسخی عملی بدین پرسش داد و با جرم‌انگاری مستقل افساد فی‌الأرض در کشورمان و استفاده از مؤلفه‌هایی ویژه در جرم‌انگاری آن همانند ارتکاب گسترده برخی از جرایم و پیدایش اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه وسیع فساد یا فحشا بر اثر آن، نشان داد که رهیافت مدیریت ریسک را چگونه به گستردگی درباره این جرم در پیش گرفته است.

۲-۸ عمل حرام

بر پایه اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قانونگذار باید در هنگام جرم‌انگاری از واژگانی شفاف استفاده کند تا به دلیل ابهام آنها ضرورت تفسیر پدید نیاید. چون در این صورت، بر خلاف آرمان‌های حقوق کیفری مدرن، آزادی متهم به مخاطره افتاده و استبداد کیفری همه‌گیر می‌شود.

جرم‌انگاری عمل حرام در ایران نشانه‌ای از ریشه‌های فقهی این نظام کیفری است. اما در اینجا باید خاطر نشان شود که موضوع قاعده، تعمیم تعزیر به جمیع معاصی و محرّمات است، بدین گونه که حاکم شرع طبق قاعده مذکور حق دارد در مورد جرایمی که به اصطلاح فقهی، حرام‌اند و موجب حد نیستند، تعزیر نماید. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۱) این اختیار

نشان‌دهنده دریافت ریسک از سوی این رفتارهاست که در نتیجه، حاکم شرع باید با در پیش‌گرفتن رهیافت مدیریت ریسک جرم، پاسخ‌هایی متناسب با میزان ریسک هر یک از آنها را پیاده کند.

۹- نظارت بر مجرمین سابقه‌دار

این نهاد کیفری آشکارا از آموزه‌های جرم‌شناختی الهام گرفته و به تفاوت‌های میان مجرمین اتفاقی و سابقه‌دار یا مزمّن اشاره دارد. برای بازجامعه‌پذیرسازی دسته دوم به باور قانونگذار باید افزون بر اجرای مجازات، راهبردهای نظارتی دیگری را نیز پیاده کرد.

این نهاد برای نخستین بار به موجب قانون الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی در خصوص نحوه نظارت بر مجرمین سابقه‌دار مصوب ۱۳۸۷ به نظام کیفری ایران راه یافت. در این باره باید یادآوری شود که تحولات حقوق کیفری به طور عام و تاریخ حقوق کیفری ایران به طور خاص نشان می‌دهد که رویکرد سنتی نسبت به بزهکاران سابقه‌دار، تشدید کیفر بوده است. در حال حاضر بسیاری از کشورهای جهان علاوه بر مجازات قانونی، نظارت و مراقبت را نیز به منظور مدیریت خطر ارتکاب جرم از سوی این قبیل بزهکاران پیش‌بینی کرده‌اند. (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۸۳) در مقابل، برای مجرمین اتفاقی پاسخ‌های نرم‌تری پیش‌بینی شده که هدف آنها پیشگیری از پایداری بزه‌کاری و به طور کلی گرایش‌های جامعه‌ستیزانه‌ای است که می‌تواند از این توده متعارف و کم‌ریسک بزه‌کاران، مجرمانی با ریسک بالا بسازد.

۲-۳ مدیریت ریسک جرم از چشم‌انداز آموزه‌های حقوق کیفری شکلی

حقوق کیفری شکلی نیز همانند سازه ماهوی، جلوه‌های از رهیافت مدیریت ریسک جرم را داراست که در ادامه به شماری از مهم‌ترین گونه‌های آن پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳- قرارهای تأمین کیفری

مهم‌ترین ویژگی قرارهای تأمین کیفری در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، گسترش قلمرو آنها و پیش‌بینی نمونه‌های نوینی از آنهاست. تردیدی وجود ندارد که مقام قضایی صادرکننده قرار تأمین کیفری می‌تواند در پرتو ارزیابی خود از خطرات احتمالی ناشی از اتهام واردشده و نیز خطر از دسترس خارج شدن متهم، به صدور آن اقدام کند. در این باره می‌توان گفت که ریسک موجود در برخی از عناوین اتهامی است که می‌تواند مقام صادرکننده قرار را به صدور قرار خفیف همانند التزام به حضور با قول شرف و یا قرارهای سنگین‌تر به ویژه بازداشت موقت رهنمون سازد.

بر پایه پیش‌بینی یادشده در ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک و در راستای رهیافت مدیریت ریسک جرم، هنگامی که مقام صادرکننده قرار تأمین با کاربرد سنجه‌های عینی به میزان ریسک برخاسته از متهم و یا عنوان اتهامی پی‌برد، باید نوع قرار تأمین صادره را با آن میزان ریسک، متناسب و به انتخاب یکی از قرارهای یادشده در ماده ۲۱۷ مبادرت ورزد.

در دکتترین آیین دادرسی کیفری، قرار بازداشت موقت به عنوان شدیدترین قرار تأمین دانسته می‌شود و به خاطر برآیند آن در سلب موقت آزادی متهم، با حساسیت‌هایی روبه‌رو است. بنابراین قانونگذار کیفری در ماده ۲۷۳ ق.آ.د.ک موارد ممکن را برای صدور این پاسخ بازتاب‌دهنده ریسک بالا در عناوین اتهامی برشمرده است.

بنابراین این ماده نیز آشکارا بر رهیافت مدیریت ریسک جرم دلالت دارد. چرا که موارد یادشده در آن که به مقام قضایی اجازه صدور قرار تأمین کیفری بازداشت موقت را که در دکتترین آیین دادرسی کیفری به عنوان شدیدترین قرار تأمین خوانده شده می‌دهد، با بیشترین ریسک‌ها برای جامعه همراه است.

۲-۳-۲- گزینش اصل مقتضی بودن یا قانونی بودن تعقیب

یکی از اصول پذیرفته شده در دادرسی کیفری، پذیرش تفکیک میان مقتضی بودن و نسبی بودن تعقیب است. بر این پایه، نظام دادرسی کیفری باید تصمیم بگیرد که آیا پیگرد همه جرایم با هر درجه از شدت در دستور کار قرار دارد یا این که برخی از آنها به دلیل شدت کمتر و یا مصالح دیگر، حساسیت‌های تعقیبی چندانی را بر نمی‌انگیزانند و جامعه نیز سود چندانی را در پیگرد متهمان نمی‌بیند.

در کشورهایی که اصل قانونی بودن به کار می‌رود، دادستان در جایی که دلایل کافی برای تعقیب وجود دارد، ملزم به تعقیب همه جرایم است. این اصل بیشتر در کشورهای وجود دارد که از سنت حقوق نوشته استفاده می‌کنند. همه کشورهای کامن‌لا و برخی کشورهای حقوق نوشته از قبیل فرانسه و هلند بر پایه اصل موقعیت داشتن عمل می‌کنند. در کشورهایی که اصل موقعیت داشتن اعمال می‌شود، دادستانان می‌توانند تشخیص خود را درباره این که دادرسی کیفری را آغاز کنند یا نه و یا در صورتی که دادرسی آغاز شده، این که برخی اتهامات خاص یا همه دادرسی را لغو کنند یا نه اعمال نمایند. (حسانی، ۱۳۹۶: ۲۷) بدین ترتیب پیاده‌سازی این نهاد کیفری در عمل با مؤلفه‌های دیگری همانند اعمال مدیریت ریسک جرم نیز هم‌پیوند است.

با وجود آن که نظام کیفری ایران به جهت ابتننا بر معیار قانونی بودن تعقیب، اقبال زیادی به این رویکرد نشان نداده است، (حاجی‌ده‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۷) اما به باور نگارنده مطالعه پیوند این دسته‌بندی با رهیافت مدیریت ریسک جرم که آشکارا در دیگر سازه‌های سیاست جنایی ایران در پیش گرفته شده است، می‌تواند در آینده به افزایش گرایش نظام دادرسی کیفری ایران به اصل موقعیت داشتن تعقیب یاری رساند.

آشکار است که پذیرش این دسته‌بندی پیوندهای آشکاری با مفهوم مدیریت ریسک جرم دارد. زیرا ملاک پیاده‌سازی هر یک از این دو رهیافت، میزان خطری است که از مرتکبان جرایم پیش‌گفته استنباط می‌شود. در برخی از جرایم، مدیریت ریسک کنش‌های مرتکبان اقتضا می‌کنند که فرآیند کیفری قاطعی در برابر آنها ترسیم شود و دست‌اندرکاران نظام دادرسی کیفری بی‌مهابا و بدو قائل شدن تبعیض میان انواع گوناگون جرایم به پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم از راه دادرسی کیفری قانونمند و نتیجه‌بخش مبادرت ورزند.

در مقابل، ماهیت و دامنه اثرگذاری‌های برخی از جرایم و همچنین نگرش‌های افکار عمومی بدانها به گونه‌ای است که اصولاً جامعه ریسک آنها را به گونه‌ای نمی‌بیند که نیاز باشد نظام عدالت کیفری بر روی آن تمرکز کند. بر پایه اصل مقتضی بودن تعقیب جامعه با چشم‌پوشی از پیگرد این جرایم، توان خود را بر جرایمی متمرکز می‌کند که ریسک قابل توجهی را برای جامعه به بار می‌آورند.

۳-۲-۳- برپایی دادرسی‌های اختصاصی کیفری

یکی دیگر از جلوه‌های ریسک‌مدار در نظام دادرسی کیفری کشورمان، دادرسی‌های اختصاصی کیفری است. از این دیدگاه، آنچه به نام دادرسی‌های اختصاصی کیفری خوانده می‌شود نیز دربردارنده روندهایی است که به باور ما نشان‌دهنده رهیافت مدیریت ریسک جرم است.

به طور کلی توجیحات خاصی برای راه‌اندازی دادرسی‌های اختصاصی کیفری در نظام عدالت کیفری کشورمان وجود دارد. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، این گونه از دادرسی در واقع بر پایه موقعیت و پایگاه اجتماعی متهم ساماندهی شده است. یکی از مهم‌ترین تبیین‌های ارائه‌شده برای این جداسازی دادرسی از دادرسی‌های انجام‌شده برای عموم شهروندان نیز ریسک‌هایی است که در صورت آمیزش آنها با عموم در دادرسی‌های کیفری عمومی پدید می‌آید.

در واقع، با توجه به ریسک‌های گوناگون جرم‌شناختی موجود در رفتارهای این مرتکبان لازم است که دادرسانی متخصص به عناوین اتهامی آنان رسیدگی کنند تا بتوانند حقوق جامعه و نیز حقوق متهم را به گونه‌ای متوازن حفظ کنند. این امر در راستای تخصص‌گرایی کیفری که یک روند مدیریتی نوین و پذیرفته‌شده در جهان امروز است، ارزیابی می‌شود.

۳-۲-۴- مدیریت ریسک جرم در برپایی دادرسی‌های فوری و موقت

یکی دیگر از نمونه‌های پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در نظام دادرسی کیفری ایران برپایی دادرسی‌هایی فوری، ویژه و موقت است که تاکنون کشورمان مواردی از آن را تجربه نموده است.

برای نمونه در نیمه اول سال ۱۳۹۷ بحران اقتصادی کم سابقه‌ای کشور را در نوردید. در این شرایط، برخی از افراد در پی سوءاستفاده از شرایط و بیشینه‌سازی درآمدهای نامشروع خود برآمده و مرتکب جرایم اقتصادی گسترده‌ای همانند احتکار، جرایم ارزی و... شده‌اند.

در این شرایط یکی از اولین وعده‌های دستگاه قضایی نیز برپایی دادرسی‌های ویژه و علنی محاکمه مفسدان اقتصادی بود. بنابراین، این بخش از حاکمیت کوشش داشت در پرتو این رویکرد ریسک‌مدار خود به آرام‌سازی شرایط اقتصادی کشور که تکانش آن پیامدهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی بسیاری را به همراه آورده بود، یاری رساند.

با توجه به این توضیحات می‌توان بر این باور بود که دادرسی‌های فوری یادشده از یک سو مبتنی بر ریسک دریافت‌شده و استنباط‌شده کنشگران نظام دادرسی کیفری از کنش‌های مجرمانه مورد نظر است و از سوی دیگر، به منظور مدیریت این ریسک به ویژه از دید افکار عمومی صورت می‌پذیرد. از همین رو به باور ما، دادرسی‌های فوری یادشده که همان‌گونه که گفته شد در برخی از موارد بدون رعایت قواعد پذیرفته‌شده دادرسی کیفری انجام می‌گیرد، نمونه‌ای بارز از پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم است که در دهه‌های گذشته و در برابر برخی از چالش‌های آشکار امنیتی و اقتصادی، نمونه‌هایی از آنها از سوی نظام دادرسی کیفری ایران در پیش گرفته شده است.

۳-۲-۵- نقض اصل قضاوندی

یکی از اصول بنیادین یادشده، اصل قضایی بودن کیفر است. این اصل به مفهوم ضرورت تعیین کیفر در قبال رفتار مجرمانه مرتکب و از سوی مقام قضایی صلاحیت‌دار است. از این دیدگاه، تحمیل کیفر تفاوت آشکاری با دوران انتقام خصوصی دارد. این اصل در اصل ۳۶ قانون اساسی و نیز فصل چهارم ق.م.ا. ۱۳۹۲۱ و در مواد ۱۳ و ۱۴ آن چهره یافته

است. افزون بر این، ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر آن تأکید کرده‌اند.

در حقوق کیفری عرفی و نیز فقه این انگاره پذیرفته شده که هر یک از احکام عام به تخصیص می‌خورند. با وجود آن که اصل قضاوندی نیز اصلی شناخته شده و دارای پیامدهای مهم در حقوق کیفری و فقه کیفری است، اما همانند دیگر احکام کلی با استثنائاتی شامل دفاع مشروع، قتل به اعتقاد مهدورالدم و نیز قتل در فراش همراه است. از آنجا که به باور ما این استثنائات بر پایه ارزیابی میزان ریسک رفتارهای متهمان و برآیندهای آنها در آینده پیش‌بینی شده است، باید پذیرفت که در اینجا نیز رهیافت مدیریت ریسک جرم از سوی دست‌اندرکاران سیاست جنایی تقنینی کشورمان در پیش گرفته شده است.

در فقه اسلامی نیز تأکید بر ضرورت اجرای حد از سوی امام و بنابر قولی فقیهان و نیز اجرای تعزیر و حتی قصاص با اجازه او نشان‌دهنده پذیرش اصل قضایی بودن کیفر است. زیرا گفته می‌شود که در مواردی مانند حدود، احراز ضرورت حکم به مجازات حدی و اجرای آن مستلزم احراز شرایط گوناگونی است که باید از سوی امام و یا فرد منصوب او به عمل آید و شاید به همین خاطر است که برخی معتقد به عدم اجرای حد در زمان غیبت هستند. اگرچه در فقه اسلامی نیز استثنائاتی همانند تنبیه بدنی زوجه ناشزه، جواز قتل ساب‌النبی برای مستمع و نیز جواز اقامه حد بر زوجه یا اهل بیت فرد بر اصل قضایی بودن کیفر وارد است که خود بر پایه رهیافت مدیریت ریسک جرم قابل توجیه است.

۴- رهیافت مدیریت ریسک جرم در حقوق کیفری بین‌المللی

حقوق کیفری بین‌المللی شاخه‌ای کمابیش نوین از حقوق بین‌الملل بوده و توسعه آن ادامه دارد. امروزه حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اقبال عمومی به کنش‌های دیوان امیدوارانه به سوی شکوفایی گام برمی‌دارد. اگرچه بحران‌هایی همانند نپوستن کشورهای قدرتمند دنیا به دیوان و در نتیجه عدم امکان اعمال صلاحیت این دادگاه دائمی و جهان‌گستر به جرایم بین‌المللی ارتكابی از شهروندان آنها در برخی از موارد و نیز بحران بدگمانی کشورهای آفریقایی به عملکرد دیوان در قاره سیاه، چالش‌های حساسی در برابر کنش‌های این مرجع کیفری هستند، اما تردیدی وجود ندارد که دیوان امروزه نقشی پیشگام و هنجارساز را در سرتاسر جهان داشته و کارکردهای نوینی را در زمینه بالندگی و تکامل نظام‌های کیفری داخلی ایفا نموده است.

۱-۴- جرم‌انگاری جرایم اصلی بین‌المللی

به نظر می‌رسد که اصولاً گنجاندن ۴ جرم اصلی یادشده در اساسنامه رم در قلمرو جرایم داخل در صلاحیت دیوان که هم‌راستا با رویه دادگاه‌های بین‌المللی موقتی پیش از آن بوده است، بر رهیافت مدیریت ریسک جرم متمرکز است. زیرا در هنگام برگزاری کنفرانس ۱۹۹۸ رم و گفتگو برای تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جرایم بین‌المللی دیگری نیز از سوی شرکت‌کنندگان برای گنجانده شدن در این فهرست مطرح شدند که شاید به خاطر احساس ریسک کمتر برای جامعه بین‌المللی در قلمرو صلاحیت دیوان جای نگرفتند.

چهار جرم اصلی داخل در صلاحیت دیوان-نسل‌کشی، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و تجاوز ارضی - شدیدترین جرایمی هستند که وجدان جامعه بشری را جریحه‌دار ساخته و ارزش‌های والای انسانی را آماج خود قرار می‌دهند. بنابراین مرتکبان آنها در مقایسه با دیگر مرتکبان، ریسک بیشتری دارند.

۲-۴-ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت سازمان ملل به دادستان دیوان

اساسنامه رم صلاحیتی جهانی را به دیوان اعطا نکرده است. دیوان تنها می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به جرایم ارتکاب‌یافته در قلمرو یک دولت عضو یا از سوی یک دولت عضو اعمال نماید. تنها استثنا می‌تواند از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد انجام شود، در صورتی که از اختیارات خود به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد برای ارجاع یک وضعیت به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی استفاده کند.

با توجه به این سازوکار به نظر می‌رسد که ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان کیفری بین‌المللی نشان‌دهنده ریسکی است که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از سوی شورای امنیت احساس می‌شود که خود بر پایه فصل هفتم منشور ملل متحد، موظف به حفظ صلح و امنیت در سرتاسر جهان است.

۳-۴-مجازات‌های شدید در اساسنامه دیوان

اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی سازوکار ویژه‌ای را برای سزادهی جرایم داخل در صلاحیت این مرجع پیش‌بینی کرده است. از جمله این که موارد حکم به مجازات‌های شدید را در این مرجع مهم حقوق کیفری بین‌المللی بر شمرده است. از آنجا که یکی از جلوه‌های رهیافت مدیریت ریسک جرم، طرد و توانگیری از بزه‌کاران خطرناک برای حمایت از جامعه است، اساسنامه رم در موردی که خطرات جرم‌شناختی استنباط‌شده از جرم ارتکابی و یا ویژگی فردی مجرم اقتضا کند، به دیوان اجازه داده که از سقف زمانی ۳۰ سال حبس فراتر رفته و به مجازات حبس ابد حکم کند.

۴-۴-چالش آفریقایی دیوان؛ توهم اعمال بین‌المللی نظریه مدیریت ریسک جرم در قاره سیاه

همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، یکی از مهم‌ترین بحران‌های فراروی دیوان کیفری بین‌المللی، چالش آفریقایی دیوان است. در واقع، کشورهای آفریقایی از هنگام برگزاری کنفرانس ۱۹۹۸ میلادی در رم و تصویب اساسنامه دیوان تاکنون نقشی فعال را در این مرجع بین‌المللی داشته‌اند، به گونه‌ای که امروزه یک شهروند زن گامبیایی-فاتو بنسودا- سمت مهم دادستانی دیوان را بر دوش دارد. در آوریل ۱۹۹۹ سازمان وحدت آفریقا که بعدها اتحادیه آفریقا نام گرفت، دولت‌های آفریقایی را به الحاق به اساسنامه رم فراخواند، در حالی که ۱۰ سال بعد این کشورها را تشویق کرد که به خاطر هدف‌گیری فرضی آفریقا در گزینش پرونده و تعقیب از همکاری با دیوان خودداری کنند. (Nowak, 2015: 81)

در واقع، پس از صدور قرار بازداشت علیه ژنرال عمرالبشیر-رئیس‌جمهور وقت سودان-در ۴ فوریه ۲۰۰۹ به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت در دافور و با توجه به پیگرد شماری دیگر از مقامات کشوری و لشکری دولت‌های کنیا، چاد، نیجریه، سنگال و مالی به اتهام ارتکاب جرایم بین‌المللی، اتحادیه آفریقا از

دولت های عضو خود خواست از همکاری با دیوان در استرداد متهمان آفریقایی خودداری کنند. زیرا اتحادیه به پیگرد گزینشی دیوان در قاره سیاه معتقد بود. گویا متهمان آفریقایی جرایم بین المللی ریسک بیشتری نسبت به متهمان دیگر قاره ها دارند. این وضعیت می تواند برای دیوان که از یک سو در نخستین دهه های عملکرد خود است و از سوی همانند هر یک از سازمان های بین المللی با گروه بندی های ویژه ای از کشورهای منطقه ای مواجه است، رویکردی بسیار زیانبار باشد.

با این وجود، کنشگری دیوان در اعلام وضعیت های بین المللی در میانمار و افغانستان، تا حدی از چالش آفریقایی دیوان کاسته است. از همین رو باید پذیرفت آنچه عدالت گزینشی دیوان کیفری بین المللی در آفریقا و جهت گیری تبعیض آمیز علیه آنان خوانده شده، در واقع، توهم اعمال مدیریت ریسک مدار جرم علیه آنها است. بنابراین واقعیت این است که هدف دیوان، کمک به پیگرد عدالت برای بزه دیدگان در آفریقا است و انجام این کار نیز عمدتاً بنا به درخواست دولت های آفریقایی بوده است. دادرسی در دیوان کیفری بین المللی و از جمله پرونده های مطرح شده علیه سران دولت های در مسند قدرت، کاملاً مطابق با اساسنامه رم است. (Moageng, 2014: 17) ماده ۲۷ اساسنامه رم مقرر می دارد که جایگاه رسمی هر فرد به هیچ وجه نمی تواند او را از مسئولیت کیفری معاف کند.

با توجه به این توضیحات باید پذیرفت که از یک سو سیاست جنایی ریسک مدار نیز همانند دیگر گفتمان های شناخته شده علوم جنایی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پذیرفته شده است و از سوی دیگر، به دلیل ارتباطات کشورهای عضو اساسنامه رم با دیوان، تردیدی وجود ندارد که به ویژه با شکوفایی بیشتر عملکردهای دیوان، رویکردهای موجود در اساسنامه و نیز رویکردهای عملی این مرجع قضایی نیز به نظام های عدالت کیفری کشورهای عضو و در مواردی غیر عضو آن تسری می یابد. از همین رو می توان انتظار داشت که برای نمونه، رهیافت سیاست جنایی ریسک مدار نیز که نمونه هایی از آن در اساسنامه دیوان آمده است، در کشورهای عضو اساسنامه رم نیز پیگیری شود.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نظام‌های عدالت کیفری، مدیریت چالش‌های بزه‌کارانه‌ای است که در جامعه و در سطوح گوناگون روی می‌دهد. هر یک از این نظام‌ها، پاسخ‌های گوناگون خود را در برابر بزه‌کاری بر پایه ساختارهای جامعه، آموزه‌های به دست آمده از پژوهش‌های دانشگاهی نظری و کاربردی و نیز روندهای هم‌پیوند با جهانی شدن حقوق کیفری و جرم‌شناسی سازمان می‌دهند.

مدیریت ریسک جرم رهیافتی است که به ویژه پس از جهانی شدن امواج بزه‌کاری و گسترش بزه‌کاری‌های سازمان‌یافته در سرتاسر جهان در پیش گرفته شده و همواره بر گستردگی قلمرو و رویکردهای ساختاری آن نیز افزوده شده است. تا بدانجا که امروزه و در سپهر سیاست‌های جنایی ملی و فراملی، می‌توان آشکارا به وجود آن باورمند بود.

مطالعه آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که رهیافت مدیریت ریسک جرم بسترهای فقهی مهمی دارد. چندان که از منابعی چون کتاب آسمانی قرآن کریم و نیز نهج‌البلاغه می‌توان جلوه‌های آشکاری از این رهیافت را دید. چندان که دیگر آموزه‌های اسلامی و به ویژه نهادهای فقه کیفری نیز آشکارا این رهیافت را بازتاب می‌دهند.

نظام کیفری ایران نیز در تحولات خود در آغاز دهه ۹۰ خورشیدی، افزون بر روی‌آوری به رهیافت‌هایی همانند بازپروری بزه‌کاران، رهیافت مدیریت ریسک جرم را نیز در دستور کار خود قرار داده است که در قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و نیز برخی از قوانین کیفری پراکنده دیگر می‌توان به جلوه‌هایی از آن دست یافت. بنابراین با پذیرش این رهیافت، کاهش ریسک‌های جرم‌شناختی برخی از بزه‌کاران برای جامعه در شماری از نهادهای کیفری نوین یا نهادهای کیفری سنتی دگرگون‌شده در دستور کار مدیریت عدالت کیفری کشورمان قرار گرفته است.

حقوق کیفری بین‌المللی نیز که در آغاز پیدایش و در شمار تازه‌ترین گرایش‌های علوم جنایی است و با وجود همه چالش‌های کارکردی و هستی‌شناختی، چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌ای را فراروی خود می‌بیند، در شماری از رهیافت‌های خود در راستای مدیریت جرایم بین‌المللی به ریسک برخاسته از آن توجه کرده است.

این پژوهش دریافته است که رهیافت مدیریت ریسک جرم در هر یک از قلمروهای مورد مطالعه شامل فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و نیز حقوق کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است. از همین‌رو لازم است که کنشگران نظام‌های عدالت کیفری و نیز دکتترین علوم جنایی با میان‌کنش‌های روزآمد و سازنده خود تا آنجا که ممکن است بر کارآمدی آن بیفزایند.

در پرتو این مطالعه در قلمروهای سه‌گانه پیش‌گفته، پیشنهادی زیر نیز مناسب به نظر می‌رسند:

۱- روزآمدسازی راهبردهای سنجش ریسک بزه‌کاران به منظور افزایش کارآمدی راهبرد مدیریت ریسک جرم

۲- مطالعه سازه‌های گوناگون فقه امامیه برای دستیابی به جلوه‌ها، چالش‌ها و نیز اهداف رویکردهای ریسک‌مدار در آن

۳- ارزیابی ریسک جرایم بین‌المللی در کنش‌هایی همانند شناسایی وضعیت‌ها و...

۴- آگاهی کنشگران نظام عدالت کیفری از بسترها، بایسته‌ها و پیامدهای رویکرد ریسک‌مدار خود در برخی از کنش‌ها همانند صدور قرارهای تأمین کیفری

۵- ارزیابی چگونگی پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در آموزه‌های اسلامی شامل قرآن کریم، نهج‌البلاغه و احادیث و روایات و استفاده از آن در نظام عدالت کیفری ایران

۶- مطالعه جلوه‌های عینی رهیافت مدیریت ریسک جرم در سیاست جنایی پیامبر گرامی اسلام (ص)، امام علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع)

منابع

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

- پیوندی، غلامرضا، (۱۳۹۵)، حکمت‌های کیفر در نظام جزایی اسلام، مجله حقوق اسلامی، شماره ۴۸
- پورقهرمانی، بابک، کریم زاده، بیاض، (۱۳۹۸)، جایگاه آموزه‌های سنجش آماری ریسک جرم در نهاد ارفاقی آزادی مشروط (مطالعه موردی: زندان‌های استان آذربایجان شرقی)، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۱
- جعفری، حسین و دیگران، (۱۳۹۶)، درنگی در قلمروی قاعده فقهی «التعزیر فی کل عمل المحرم»، مجله جستارهای فقهی و اصولی، سال سوم، شماره ۴
- حاجی‌ده‌آبادی، محمد علی و دیگران، (۱۳۹۶)، موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳
- حسانی، جلال‌الدین (۱۳۹۶)، جایگاه و نقش دادستانان در فرآیند کیفری، انتشارات دادنامه، چاپ اول، تهران
- ساریخانی، عادل، (۱۳۹۴)، نقش عوام‌گرایی سیاستمداران غربی در ظهور سیاست کیفری خشن، نقد کتاب فقه و حقوق، شماره ۲
- عبادی، حسین، (۱۳۹۴)، امکان تعویق صدور حکم محکومیت در خصوص متهمان جرایم مواد مخدر و روانگردان، مجله سلامت اجتماعی و اعتیاد، شماره ۵
- محدثی، زهرا، سلطانی، عباسعلی، (۱۳۹۶)، نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۹
- میرخلیلی، سیدمحمود، ایارگر، حسین، (۱۳۹۳)، نظارت بر مجرمان: مبانی فقهی نظارت بر مجرمان خطرناک، مجله دانش انتظامی، سال شانزدهم، شماره ۲
- نوبهار، رحیم، صیقل، یزدان، (۱۳۹۶)، ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی ریسک مدار، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۰

منابع انگلیسی

- Kemshall, Hazel, (2008), Understanding the Community Management of High Risk Offenders, Open University Press, London
- Moageng, Sanji Mmasenono, (2014), Cited in: Africa and the International Criminal Court, Edited by Wherle et al, Asser Press
- Nowak, Andrew, (2015), International Criminal Court: An Introduction, Springer, London

Study of Crime Risk Management Approach from the Perspectives of Imami Jurisprudence, Iranian Criminal Law and International Criminal Law

Abstract:

Crime is a natural phenomenon in society and one of the approaches available against it is called the crime risk management approach. This research, which is written by descriptive-analytical method, seeks to study the position of this approach in Imami jurisprudence, Iranian criminal law and international criminal law. In the crime risk management approach, the risk level of each of the crime categories is assessed and the appropriate criminal responses are implemented. Discrimination, delinquency, identifying the roots of moral corruption, enjoining the good and forbidding the evil, as well as predicting severe punishments, are some of the symptoms of this approach from the perspective of jurisprudential teachings. Substantive criminal law also reflects its in the framework of grading and determining Ta'zir punishments, issuing a Ta'zir sentence in case of non-execution of Qisas, prohibiting the implementation of mercenary criminal institutions towards high-risk perpetrators, determining the aggravated qualities of crimes, etc. Criminal security agreements, specialized criminal proceedings and urgent proceedings are also the most important platforms for implementing the crime risk management approach in the formal structure of criminal law. The criminalization of major international crimes, the severe penalties in the Statute of the Court, and the African challenge of the Court are examples of this approach in the field of international criminal law. This study has found that the crime risk management approach is clearly evident in each of the domains of Imami jurisprudence, Iranian criminal law and international criminal law.

Key words: Crime Risk Management, Substantive Criminal Law, Criminal Justice System, Formal Criminal Law, International Criminal Law

